

وفات یعنی چه، ما وفات پیدا می‌کنیم یا می‌میریم؟

وفات یعنی چه، تفاوتش با مرگ چیست و در مورد انسان کدام درست‌تر است؟

وفات یعنی چه؟ چرا درباره کسی که از دنیا می‌رود، واژه وفات را به کار می‌بریم؟ آیا مرگ، فوت و وفات هر سه یک چیزند،

یا با هم تفاوت دارند؟ در مورد انسان کدام درست‌تر است؟ بالأخره ما می‌میریم، فوت می‌کنیم، یا وفات پیدا می‌کنیم؟!

مردم دنیا به زبان‌های مختلفی گفتگو می‌کنند. هر زبانی هم ویژگی‌های منحصر به فرد و جذابیت‌های خاص خودش را دارد و

در این شکی نیست، اما باید بپذیریم، که زبان‌های مختلف از لحاظ غنا و وسعت واژگان در یک سطح نیستند و برخی از

زبان‌ها از برخی دیگر غنی‌ترند. به طور کلی، هر چقدر دایره واژگان یک زبان وسیع‌تر باشد و لغات تخصصی‌تری برای بیان

مفاهیم داشته باشد، کامل‌تر است؛ چون می‌تواند لغاتی را استخدام کند که در بیان مفاهیم انتزاعی و حقیقی کم‌ترین ابهام را

ایجاد کند؛ البته ما در این درس بنا نداریم درباره ویژگی‌های زبان‌های مختلف گفتگو یا آن‌ها را باهم مقایسه کنیم، بلکه هدف

ما از طرح این موضوع پرداختن به مفهومی به نام مرگ یا وفات و بررسی اشتباهاتی است که پیرامون این مفهوم وجود دارد.

ما در زبان فارسی لغت تخصصی و دقیقی برای توصیف اتفاقی که در پایان عمر انسان می‌افتد، نداریم. به همین دلیل وقتی

کسی عمرش به پایان می‌رسد، واژه «مرگ» را در موردش به کار می‌بریم و می‌گوییم «فلانی مُرد». در زبان انگلیسی و

فرانسوی نیز از لغات **Death** و **Mort** استفاده می‌شود که همان معنای مرگ در فارسی را می‌دهد. ^۱ مرگ یا موت نقطه

مقابل حیات است و به معنای از بین رفتن حیات و زندگی است. وقتی می‌گوییم فلانی مرد، یعنی نابود شد و از بین رفت. در

حالی که بعد اصلی وجود یا من ما تحت هیچ شرایطی از بین نمی‌رود. به عبارتی، آن‌چه ما نامش را مرگ و از بین رفتن حیات

ارتباط مفهومی واژه موت با مؤلفه‌های معنایی آن در قرآن؛ دوفصلنامه پرتو وحی، دوره 6، شماره 2، 1398

می‌گذاریم، تنها در جسم اتفاق می‌افتد نه در روح؛ پس مرگ واژه مناسبی برای توصیف اتفاقی که در پایان عمر انسان می‌افتد، نیست.

تعبیر دیگری که معمولاً در این زمینه به کار می‌بریم، فوت کردن یا فوت شدن است. «فوت» در اصل به معنی از دست رفتن است. مثلاً می‌گوییم نماز فوت شد یا فلان عمل از من فوت شد، یعنی از دستم رفت.^۲ این واژه از آن جهت که آن شخص از دست ما و از بین ما رفته درست است، اما باز هم تعبیر مناسبی برای توصیف دقیق واقعه نیست. تعبیر صحیح، تعبیر «وفات» است. درستش این است که بگوییم «فلانی وفات کرد»، نه این که فوت کرد یا مرد. اما وفات یعنی چه و چرا از این تعبیر استفاده می‌کنیم؟

ریشه لغوی وفات

وفات یعنی چه؟ وفات یک واژه عربی است و با **توفی** و استیفا از یک ریشه است. احتمالاً واژه استیفا را شنیده‌اید. چون در زبان فارسی و به ویژه در مباحث حقوقی زیاد استفاده می‌شود. توفی یا استیفا، یعنی تحویل گرفتن چیزی به صورت تمام و کمال یا انتقال چیزی از جایی به جای دیگر به صورت کامل. مثلاً وقتی کسی طلبش را از دیگری به طور کامل تحویل بگیرد، می‌گویند طلبش را استیفا کرد یا حقش را استیفا کرد. وفات هم به همین معناست.

وفات یعنی «**جابه‌جایی یا انتقال چیزی از جایی به جای دیگر به طور کامل**». واژه وفات را خداوند در قرآن برای توصیف اتفاقی که در لحظه جان دادن می‌افتد، به کار برده است.^۳ هرجا هم که لفظ موت را در مورد انسان استفاده کرده، منظورش همان وفات است.

ج 26، ص 285 . مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری 2

سوره زمر، آیه 42³

همان‌طور که می‌بینید، اگر بخواهیم وفات را به فارسی ترجمه کنیم، باید یک خط درباره‌اش توضیح دهیم. اما در عربی تمام این مفهوم تنها با یک واژه قابل انتقال است. یکی از دلایلی هم که خداوند زبان عربی را برای کتابش انتخاب کرده، همین است. در عربی تمام کلمات دارای معنای واحد و منحصر به فردی هستند؛ در نتیجه برخلاف سایر زبان‌ها که معمولاً ابهام دارند، در عربی نمی‌توان از یک کلمه یا عبارت برداشته‌های متفاوتی داشت. مثلاً لغات سبیل، صراط و طریق، هر سه در فارسی به راه ترجمه می‌شوند، اما در عربی هر کدامشان به نوع از خاصی از راه اشاره دارند.

اما چرا خداوند از واژه وفات در توصیف انتقال به عالم آخرت استفاده کرده؟ با استخدام این واژه می‌خواسته چه چیزی به ما بگوید؟ در عمل وفات یعنی چه و موقع جان دادن، چه چیزی و از کجا به کجا منتقل می‌شود؟

ما قبلاً هم وفات را تجربه کرده‌ایم!

برای آن که ببینیم وفات یعنی چه و هنگام وفات دقیقاً چه چیزی و از کجا به کجا منتقل می‌شود، لازم است یک‌بار دیگر به [قانون نسبت](#) و رابطه‌ای که بین دنیا و آخرت وجود دارد، برگردیم. از طریق این قانون خیلی راحت‌تر می‌توانیم بفهمیم، وفات یعنی چه و تفاوتش با مرگ را بهتر متوجه می‌شویم.

گفتیم که رابطه دنیا و آخرت مانند رابطه رحم مادر با دنیاست. با در نظر گرفتن این رابطه، لحظه زایمان مادری که یک جفت جنین دوقلو در رحم دارد را در نظر بگیرید. فرض کنید یکی از این جنین‌ها به دنیا آمده و جنین دیگر هنوز درون رحم است. حالا خودتان را جای جنین دوم بگذارید. به نظر شما این جنین درباره‌ی اتفاقی که برای خواهر یا برادر دوقلوش افتاده، چه فکری می‌کند؟ طبیعتاً فکر می‌کند او مرده است! جنین دوم عالم دنیا را ندیده و حتی از وجود این عالم اطلاعی ندارد. برای او زندگی فقط درون رحم معنی دارد و هر که از رحم خارج شود از نظر او مرده است. حالا خودتان را جای جنین اول که از محیط کوچک رحم وارد عرصه پهن‌آور، رنگارنگ و شگفت‌انگیز دنیا شده، بگذارید. به نظر شما او چه حسی دارد؟ آیا او هم فکر می‌کند مرده است؟ طبیعتاً نه! او فقط احساس می‌کند از جایی به جای دیگر منتقل شده است.

همین اتفاق در رابطه بین دنیا و آخرت می‌افتد. به این صورت که در پایان عمر روح ما به‌طور کامل از عالم دنیا جدا شده و به عالم دیگری به نام ملکوت یا برزخ منتقل یا متولد می‌شود. به همین دلیل خداوند به جای واژه موت یا مرگ که به نیستی و از بین رفتن حیات اشاره دارد، واژه وفات را به کار می‌برد. با این حساب ما قبلاً هم یکبار وفات را تجربه کرده‌ایم و آن زمانی بوده که از رحم مادر خارج و به دنیا منتقل یا به قول خودمان «متولد» شده‌ایم.

پس اگر بخواهیم بحث را جمع‌بندی کنیم باید بگوییم، وفات در لغت به معنای انتقال کامل و نوعی تولد است. ما این تولد و انتقال را سه بار در طول حیات ابدی‌مان تجربه می‌کنیم. یکبار زمانی که از رحم مادر به دنیا متولد می‌شویم. یکبار زمانی که از رحم دنیا به برزخ متولد می‌شویم و یکبار هم زمانی که از رحم برزخ به قیامت متولد خواهیم شد.